



تأثیر معدل کل و دوزبانه یا چندزبانگی بر راهبردهای یادگیری دانشجویان کارشناسی

رشته‌های زبان‌های خارجی دانشگاه فردوسی مشهد

مریم قربانی^۱

عطیه کامیابی‌گل^۲

علی علیزاده^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر معدل و دو زبانه یا چندزبانگی بر راهبردهای یادگیری دانشجویان کارشناسی رشته‌های زبان‌های خارجی دانشگاه فردوسی مشهد اختصاص یافته است. در این پژوهش تعداد ۱۶۰ دانشجوی در رشته‌های زبان‌های انگلیسی، فرانسه، روسی و عربی که در سال دوم مشغول تحصیل بودند، حضور داشتند. ابزار پژوهش جهت سنجش میزان به‌کارگیری راهبردها شامل پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان آکسفورد^۴ (۱۹۹۰) و مصاحبه گروهی می‌باشد. جهت پاسخ به سؤالات پژوهش و تعیین میزان به‌کارگیری راهبردها و رابطه آن‌ها با متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. متغیرهای پژوهش شامل معدل کل و دو زبانه یا چندزبانه بودن دانشجویان می‌باشد. نتایج نشان داد که میان معدل با میزان استفاده از راهبردها (به جز راهبرد جبرانی) رابطه مثبت معنی‌دار وجود داشت. به این معنی که با افزایش معدل، میزان به‌کارگیری راهبردهای یادگیری نیز افزایش می‌یابد. در رابطه با دو زبانه و چند زبانه‌گی و ارتباط آن با میزان به‌کارگیری راهبردها، نتایج ضریب همبستگی نشان داد که دانشجویان دو زبانه ارتباط مستقیم معنی‌داری با راهبردهای شناختی و دانشجویان چند زبانه ارتباط مستقیم معنی‌داری با راهبردهای اجتماعی داشتند. دانشجویان تک‌زبانه نیز ارتباط معکوس با استفاده از راهبردهای شناختی و اجتماعی داشتند.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای حافظه‌ای، راهبردهای شناختی، راهبردهای جبرانی، راهبردهای فراشناختی، راهبردهای عاطفی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد Maryam.ghorbani28@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد Kamyabigol@um.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد Alalizadeh@um.ac.ir

۱- مقدمه

آموزش زبان‌های خارجی از دیرباز بسیار مورد توجه قرار گرفته است و با توجه به نیازهای ارتباطی و داد و ستدها و معاملات تجاری، اقتصادی، علمی و فرهنگی با سایر کشورها، به امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. عوامل زیادی در یادگیری و آموزش یک زبان خارجی / دوم اثرگذارند. از مهم‌ترین عوامل، می‌توان نخست به خود زبان‌آموز، علاقه و پشتکارش در یادگیری و دوم، مدرس که در فرایند یادگیری و آموزش زبان جدید بسیار تأثیرگذار است، اشاره کرد. نیکوس و آکسفورد بر این باورند که زبان‌آموز نقش اول را در فرایند یادگیری ایفا می‌کند (به نقل از گریفت^۱ ۲۰۰۴). علاوه بر این عوامل، راهبردهای یادگیری زبان نیز شناخته شده‌اند. راهبردهای یادگیری در واقع روش‌هایی هستند که زبان‌آموز با کمک آن‌ها زبان مقصد را می‌آموزد. (آکسفورد ۱۹۹۰: ۸) راهبردهای یادگیری را چنین تعریف می‌کند. راهبردهای یادگیری عبارتند از «اعمال و فعالیت‌های خاصی که به وسیله زبان‌آموز به کار گرفته می‌شوند تا فرایند یادگیری را آسان‌تر، سریع‌تر، لذت‌بخش‌تر و مؤثرتر ساخته و انتقال یادگیری در موقعیت‌های جدید را امکان‌پذیر سازد». در آموزش زبان، آگاهی مدرس از این راهبردها بسیار اهمیت دارد. مدرس می‌تواند به منظور ارتقا سطح یادگیری و تدریس موفق‌تر از این راهبردها کمک بگیرد. نقش عوامل زبانی و روان‌شناسی را هم در استفاده زبان‌آموزان از راهبردها نباید نادیده گرفت. استفاده از این راهبردها توسط زبان‌آموز و شناسایی آن‌ها توسط مدرس می‌تواند در ارتقاء آموزش و یادگیری یک زبان خارجی / دوم مؤثر باشد. همچنین هماهنگی میان راهبردهای تدریس و راهبردهای یادگیری می‌تواند باعث ارتقاء سطح آموزش و یادگیری یک زبان خارجی شود. با توجه به تعداد اندک پژوهش‌های انجام شده در زمینه راهبردهای یادگیری بر روی زبان‌های خارجی به غیر از زبان انگلیسی، این پژوهش در نظر دارد که علاوه بر زبان انگلیسی به بررسی مسئله میزان به کارگیری راهبردهای یادگیری در زبان‌های فرانسه، عربی و روسی با در نظر گرفتن نقش متغیرهای معدل و دو زبانه یا چند زبانی بپردازد. بدین منظور سؤالات زیر مطرح می‌گردد:

۱- آیا رابطه معنی‌داری میان معدل کل دانشجویان کارشناسی سال دوم زبان‌های خارجی و نوع راهبرد یادگیری وجود دارد؟

۲- آیا رابطه معنی‌داری میان دو زبانه / چندزبانه بودن دانشجویان کارشناسی سال دوم زبان‌های خارجی و نوع راهبرد یادگیری وجود دارد؟
همچنین متناظر با سؤالات فوق فرضیه‌های زیر ارائه می‌گردد:

فرضیه اول: رابطه معنی‌داری بین معدل کل دانشجویان کارشناسی سال دوم زبان‌های خارجی دانشگاه فردوسی مشهد و به کارگیری راهبردها وجود ندارد.

فرضیه دوم: رابطه معنی‌داری بین دوزبانه یا چندزبانی دانشجویان کارشناسی سال دوم زبان‌های خارجی دانشگاه فردوسی مشهد و به کارگیری راهبردها وجود ندارد.

۱.۱. پیشینه پژوهش

در زمینه راهبردهای یادگیری زبان پژوهش‌های زیادی توسط پژوهش‌گران ایرانی و غیر ایرانی انجام شده است. در ادامه به پیشینه برخی از پژوهش‌های خارجی پرداخته می‌شود.

پارک^۲ (۱۹۹۷)، رابطه بین راهبردهای یادگیری زبان و مهارت‌ها در زبان دوم را مورد بررسی قرار داده است. ۳۳۲ دانشجوی سطح متوسط تا پیشرفته زبان انگلیسی که در دو دانشگاه در کره مشغول تحصیل بودند، در این پژوهش شرکت کردند. ابزار مورد استفاده شامل پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان^۳ و آزمون انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی^۴ بود. نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه خطی میان راهبردهای یادگیری زبان و مهارت‌های زبان دوم و

^۱ Grift

^۲ Park

^۳ SILL, ESL/ EFL

^۴ TOEFL

همچنین وجود رابطه معنادار میان همه ۶ دسته از راهبردهای یادگیری به طور کلی با نمرات تافل بودند. همچنین راهبردهای شناختی و اجتماعی پیش‌بینی‌های بیشتری از میان ۴ راهبرد دیگر می‌دادند. در نتیجه یافته‌های حاکی از این پژوهش نشان داد که یادگیرندگان زبان دوم برای تسهیل امر فراگیری زبان دوم به راهبردهای یادگیری به ویژه راهبردهای اجتماعی و شناختی در متون زبان کره‌ای نیاز دارند.

جینهانگ^۱ (۲۰۱۱)، به بررسی ارتباط میان استفاده از راهبردهای فراشناختی توسط دانشجویان و عملکرد آن‌ها در آزمون درک شنیداری^۲ پرداخته است. این مطالعه بر روی دانشجویان رشته‌های انگلیسی دانشگاه چین انجام شده است. ۱۰۰ نفر از دانشجویان زبان انگلیسی برای شرکت در آزمون انتخاب شدند و سپس براساس نمرات آن‌ها به سه سطح تقسیم شدند. ۱۰ دانشجو از هر سطح به صورت تصادفی انتخاب شدند. به این معنی که در مجموع ۳۰ دانشجو شرکت داشتند و به پرسشنامه پاسخ دهند. داده‌های جمع‌آوری شده از آزمون درک شنیداری و پرسشنامه نشان داد که در مجموع همه ۳۰ دانشجو از راهبردهای فراشناختی در سطح متوسط استفاده کردند. به‌وسیله مقایسه، دانشجویان در سه گروه از راهبردهای فراشناختی در سطوح مختلف استفاده کردند. علاوه بر این، بین تعداد ۳۰ دانشجو که از راهبردهای فراشناختی استفاده کردند و عملکرد آن‌ها در آزمون درک شنیدار رابطه مثبت وجود داشت. با این حال، تعداد ۴ دانشجو وجود داشتند که رابطه بین استفاده از راهبردهای فراشناختی و نمرات آن‌ها در آزمون درک شنیداری منفی بود. بنابراین برای پیدا کردن دلایل وجود رابطه منفی یک مصاحبه در میان آن‌ها انجام شد. مصاحبه نشان داد که آن‌ها در استفاده از راهبردهای فراشناختی یا تکالیف مربوط به آن‌ها با مشکلات مختلفی مواجه بودند.

هاردان^۳ (۲۰۱۳)، به بررسی راهبردهای یادگیری زبان در میان زبان‌آموزان زبان انگلیسی و نقش این راهبردها در ارتقاء فرایند یادگیری زبان پرداخته است. در این پژوهش اطلاعاتی راجع به استفاده از راهبردهای یادگیری زبان فراهم شده تا در زمان انجام پژوهش، به درک بهتر پژوهش‌گران و راهنمایی آن‌ها برای انتخاب راه درست کمک کند. در انتهای این پژوهش نیز به تعریف ایده زبان‌آموز موفق و رابطه میان زبان‌آموز موفق با استفاده از راهبردهای مناسب پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر راهبردهای یادگیری زبان در ارتقاء فرایند یادگیری می‌باشد. آرفیکو آیله^۴ (۲۰۱۴)، به بررسی تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی، عاطفی و اجتماعی بر بهبود مهارت نوشتن پرداخته است. وی در این پژوهش از دانشجویان سال اول که در دانشگاه هاوا سا حضور داشتند استفاده کرد و در کلاس مهارت نوشتاری پایه این راهبردها به آن‌ها آموزش داده شد. وی قبل و بعد از آموزش، از پرسشنامه و مصاحبه برای تعیین تأثیر آموزش راهبردهای غیر مستقیم یادگیری زبان بر مهارت نوشتن استفاده کرد. در نهایت تحلیل آزمون‌تی نشان داد که با آموزش راهبردها، دانشجویان از آن‌ها برای بهبود مهارت نوشتار استفاده می‌کنند.

در ادامه به برخی از پژوهش‌های داخلی در زمینه راهبردهای یادگیری زبان پرداخته می‌شود.

صدیقی فر و خالقی‌زاده (۱۳۹۶)، به بررسی تأثیر بکارگیری راهبردهای فراشناختی، اجتماعی و عاطفی بر میزان موفقیت فارسی‌آموزان غیر ایرانی در مهارت نوشتاری پرداختند. در این پژوهش ۴۲ فارسی‌آموز عربی‌زبان مرد و زن در بازه سنی ۱۸-۲۰ سال که در ترم پاییز ۹۵ در دوره پیشرفته مشغول یادگیری زبان فارسی بودند، شرکت داشتند. ابزار پژوهش جهت سنجش میزان بکارگیری راهبردها، پرسشنامه آکسفورد (۱۹۹۰) بود و برای تعیین رابطه بکارگیری راهبردهای یادگیری زبان فارسی با میزان موفقیت فارسی‌آموزان در مهارت نوشتن از نمرات آنان در درس نگارش استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین بکارگیری راهبردهای فراشناختی و موفقیت در مهارت نگارش و عدم وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین بکارگیری راهبردهای اجتماعی و عاطفی و موفقیت در مهارت نگارش بود. همچنین از بین سه راهبرد، راهبردهای فراشناختی باعث افزایش موفقیت در درس نگارش شده است.

^۱ Jinhong

^۲ TEM-4

^۳ Hardan

^۴ Arficho Ayle

خالقی‌زاده (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه خود به شناسایی راهبردهای یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم در میان فارسی‌آموزان خارجی پرداخته است. این پژوهش بر مبنای پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان آکسفورد (۱۹۹۰) انجام شده است. ۱۵۶ فارسی‌آموز خارجی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی به پرسشنامه اصلی پاسخ دادند. نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده کاربرد متوسط راهبردهای یادگیری زبان فارسی توسط فارسی‌آموزان بود. همچنین نتایج نشان داد که فارسی‌آموزان برای یادگیری زبان فارسی بیشتر از راهبردهای فراشناختی و کمتر از راهبردهای حافظه‌ای استفاده می‌کنند. اختری (۱۳۸۵)، به بررسی راهبردهای یادگیری زبان دوم و فراگیری زبان عربی پرداخته است و نقش جنسیت و رشته تحصیلی را در کاربرد راهبردها مشخص کرده است. ۹۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ورودی ۸۵-۸۲ رشته‌های فلسفه و زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های تهران، علامه، الزهرا، شاهد و امام صادق و تعداد ۲۸۵ نفر به طور تصادفی برای پاسخ به پرسشنامه انتخاب شدند. سپس نمره خام کنکور زبان عربی و نمره دانشگاهی آن‌ها (در دروس مکالمه و قرائت متون عربی)، استخراج و ضریب همبستگی آن با نمره پرسشنامه مقایسه گردید. این مقایسه نشان داد که بین راهبردهای یادگیری و توان بالقوه یادگیری زبان عربی همبستگی وجود دارد. برای اثبات پایایی پرسشنامه راهبردها، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید. آزمون تی^۱ برای مقایسه میانگین نمره راهبردهای دانشجویان دختر و پسر و نیز مقایسه میانگین نمره آن‌ها در دو رشته نشان داد که رابطه میان جنسیت و رشته تحصیلی نیز با راهبردهای یادگیری زبان، معنادار است.

پیشقدم (۱۳۸۷)، به بررسی ارتباط راهبردهای زبان انگلیسی با جنسیت و راهبردهای غالب یادگیری زبان انگلیسی در زبان‌آموزان ایرانی پرداخته است. وی با استفاده از پرسشنامه ربکا آکسفورد که شامل شش زیرگروه حافظه، شناختی، جبرانی، فراشناختی، عاطفی و اجتماعی می‌باشد به بررسی راهبردهای غالب یادگیری در زبان‌آموزان ایرانی پرداخته است. در این پژوهش ۳۲۰۰ نفر که به صورت تصادفی از دانشگاه‌های کشور ایران انتخاب شده بودند شرکت داشتند. پس از بررسی نتایج مشخص شد که زبان‌آموزان ایرانی بیشتر از راهبردهای فراشناختی و جبرانی استفاده می‌کنند. نتایج آزمون تی هم از تفاوت معنادار میان راهبردهای حافظه و اجتماعی در متغیر جنسیت حکایت داشت. در پایان هم به زبان‌آموزان، معلمان و مؤلفان توصیه شد تا از تمامی راهبردها، بلاخص راهبردهای فراشناختی در امر یادگیری، تدریس و تألیف بهره کافی و وافی ببرند.

۲.۱. روش‌شناسی و مبانی نظری

۲.۱.۱. نمونه پژوهش و روش اجرا

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌های زبان‌های خارجی دانشگاه فردوسی مشهد که در رشته‌های زبان انگلیسی، فرانسه، روسی و عربی در سال دوم مشغول تحصیل بودند، می‌باشند. در این پژوهش تعداد ۱۶۰ دانشجوی به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. برای انجام این پژوهش، پژوهش‌گر پس از هماهنگی با تمام گروه‌های زبان‌های خارجی دانشگاه فردوسی مشهد و سپس هماهنگی با اساتید آنان برای انجام مصاحبه گروهی و ارائه پرسشنامه، در کلاس‌های درس حاضر شد و سپس جهت بکارگیری اطلاعات، کل مصاحبه ضبط و پیاده‌سازی شد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، پژوهش‌گر پرسشنامه‌ها را از شرکت‌کنندگان تحویل گرفت و بعد از کدگذاری، داده‌ها را وارد نرم افزار اس پی اس نسخه ۲۳ نمود. مدت زمان لازم برای پاسخ به پرسشنامه‌ها ۳۰ دقیقه در نظر گرفته شد.

۲.۱.۳. ابزار جمع‌آوری داده‌ها

۲.۱.۳.۱. مصاحبه گروهی

اندرسون (۱۹۹۰) بیان می‌دارد مصاحبه گروهی ابزار بسیار خوبی در گردآوری داده‌ها به صورت کیفی است و دارای مزایای زیادی می‌باشد. یک مصاحبه گروهی از افراد با ویژگی‌های معین تشکیل می‌شود که پیرامون موضوع مشخص بحث می‌کنند (به نقل از دلشاد ۲۰۱۳).

^۱ T-Test

^۲ Anderson



در این پژوهش ابتدا یک مصاحبه گروهی در مورد میزان آشنایی دانشجویان با راهبردهای یادگیری زبان و علت انتخاب رشته مورد علاقه انجام گرفت. سپس از پرسشنامه آکسفورد (۱۹۹۰) در جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. پرسشنامه دارای ۵۰ سؤال و به صورت لیکرت ۵ گزینه‌ای بود (۱- هرگز ۲- به ندرت ۳- گاهی ۴- معمولاً ۵- همیشه). از دیگر ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش نرم افزار اس پی اس نسخه ۲۳ بود که در تحلیل‌های کمی مورد استفاده قرار گرفت.

دانشجویان زبان انگلیسی در مقایسه با سایر زبان‌ها بیشترین آشنایی قبلی با رشته و تصمیم به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را داشتند و در مورد راهبردهای یادگیری زبان آگاهی داشتند. دانشجویان زبان روسی، عربی و فرانسه با راهبردها آشنایی نداشتند و کمتر از دانشجویان زبان انگلیسی به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر می‌اندیشیدند.

۱.۳.۲. پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان آکسفورد (۱۹۹۰)

در این پژوهش از نسخه ۵۰ سؤالی پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان آکسفورد استفاده شده است که مربوط به زبان‌آموزانی است که دارای زبان مادری متفاوت می‌باشند و در حال یادگیری زبان خارجی هستند. این پرسشنامه دارای ۶ بخش می‌باشد و شامل راهبردهای حافظه‌ای، راهبردهای شناختی، راهبردهای جبرانی، راهبردهای فراشناختی، راهبردهای عاطفی و راهبردهای اجتماعی است. سؤالات ۱ تا ۹ در بخش الف مربوط به راهبردهای حافظه‌ای، سؤالات ۱۰ تا ۲۳ در بخش ب مربوط به راهبردهای شناختی، سؤالات ۲۴ تا ۲۹ در بخش پ مربوط به راهبردهای جبرانی، سؤالات ۳۰ تا ۳۸ در بخش ت مربوط به راهبردهای فراشناختی، سؤالات ۳۹ تا ۴۴ در بخش ث مربوط به راهبردهای عاطفی و سؤالات ۴۵ تا ۵۰ در بخش ج مربوط به راهبردهای اجتماعی می‌باشد. این پرسشنامه به صورت لیکرت ۵ گزینه‌ای (۱- هرگز ۲- به ندرت ۳- گاهی ۴- معمولاً ۵- همیشه) می‌باشد.

۱.۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱.۴.۱. پایایی پرسشنامه

در پژوهش حاضر از نمونه پرسشنامه که توسط پیشقدم (۱۳۸۷) روایی شده بود، استفاده شد. در مورد پایایی پرسشنامه هر قدر شاخص آلفای کرونباخ به ۱ نزدیکتر باشد، همبستگی درونی بین سؤالات بیشتر و در نتیجه پرسش‌ها همگن‌تر خواهند بود. کرونباخ ضریب پایایی ۰/۴۵ را کم، ۰/۷۵ را متوسط و قابل قبول، و ضریب ۰/۹۵ را زیاد پیشنهاد کرده است (کرونباخ ۱۹۵۱). در بسیاری از منابع نیز مقادیر به دست آمده بالای ۰/۷۰ در این آزمون مطلوب تلقی می‌شود. بدیهی است در صورت پایین بودن مقدار آلفا، بایستی بررسی شود که با حذف کدام یک از گویه‌های پرسشنامه مقدار آن را می‌توان افزایش داد. آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹۱۹ به دست آمده است که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول می‌باشد.

در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخ به سؤالات پژوهش از آزمون همبستگی و با توجه به انواع متغیرها در پژوهش، از آزمون‌های آماری پیرسون پراداکت ممنوت و پوینت بایسریال استفاده شد. برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است.

۱.۵. اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

۱.۵.۱. دوزبانه و چندزبانه

در نمونه مورد بررسی افراد تک‌زبانه دارای بیشترین فراوانی (معادل ۴۷/۵ درصد) و افراد دو‌زبانه دارای کمترین فراوانی (معادل ۲۵/۰ درصد) می‌باشند.

۱.۵.۲. معدل

متغیر معدل نخست در پرسشنامه توسط دانشجویان اعلام شد. جهت بررسی صحت معدل‌های اعلامی و با توجه به این که اصل معدل به عنوان متغیر پژوهش بسیار حائز اهمیت بود، پژوهش‌گر با هماهنگی با آموزش دانشکده، اصل معدل را استخراج کرد و معدل‌ها با یکدیگر مقایسه گردید. تقریباً حدود ۵۰ درصد از معدل‌های اعلامی توسط دانشجویان به طور عمدی یا سهوی اشتباه اعلام شده بود. در گروه زبان انگلیسی، روسی و عربی حدود ۱۹ نفر (معادل ۴۷/۵ درصد) و در گروه زبان انگلیسی حدود ۲۰ نفر (معادل ۵۰ درصد) معدل‌ها را عمدی یا سهوی اشتباه وارد کرده بودند. حتی در برخی موارد معدل‌های بالا به طور سهوی پایین‌تر اعلام شده بود.

در نمونه مورد بررسی، افراد با معدل ۱۴ تا ۱۵ دارای بیشترین فراوانی (معادل ۲۸/۷۵ درصد) و افراد دارای معدل ۱۹ تا ۲۰ (معادل ۵/۶۲۵ درصد) دارای کمترین فراوانی هستند.

۱.۶. بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

برای اجرای روش‌های آماری و محاسبه آماره آزمون مناسب، مهم‌ترین قدم قبل از هر اقدامی انتخاب روش آماری مناسب برای پژوهش است. برای این منظور آگاهی از توزیع داده‌ها از اولویت اساسی برخوردار است. در پژوهش حاضر برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. با توجه به این که سطح معناداری آزمون مربوط به تمام متغیرها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، ادعای نرمال بودن متغیرهای پژوهش پذیرفته شده و می‌توان از روش‌های پارامتری برای بررسی سؤال‌های پژوهش استفاده کرد.

۱.۷. معرفی راهبردهای یادگیری زبان و طبقه‌بندی آن‌ها

راهبردهای یادگیری روش‌هایی هستند که زبان‌آموزان در یادگیری زبان از آن‌ها استفاده می‌کنند. تعاریف زیادی در زمینه راهبردهای یادگیری زبان و طبقه‌بندی آن‌ها ارائه شده‌است. امالی و چاموت (۱۹۹۰)، روبین (۱۹۷۵)، آکسفورد (۱۹۹۰) تعاریف و تقسیم‌بندی‌های متعددی از راهبردهای یادگیری ارائه داده‌اند. ساختار طبقه‌بندی راهبردهای یادگیری از تلاش روبین برای شناسایی ویژگی‌های زبان‌آموزان موفق شکل گرفت. روبین (۱۹۷۵) بر این باور بود که مدرسان با شناسایی راهبردهای مورد استفاده توسط زبان‌آموزان موفق و تدریس این راهبردها به زبان‌آموزان ضعیف‌تر، می‌توانند میزان موفقیت آنان را افزایش دهند. روبین (۱۹۷۵) راهبردهای یادگیری را این چنین تعریف می‌کند: «تکنیک‌ها یا ابزارهایی که زبان‌آموز برای کسب دانش از آن استفاده کند» (ص. ۴۳). دسته‌بندی اصلی و نخست روبین که شامل راهبردهای مؤثر بر یادگیری می‌باشند عبارتند از شفاف‌سازی، تأیید درستی، نظارت، حفظ، حدس/استدلال قیاسی و غیر قیاسی و تمرین است که به طور مستقیم بر یادگیری تأثیر می‌گذارند. دسته‌بندی دوم راهبردهایی هستند که به طور غیر مستقیم بر یادگیری مؤثرند و شامل ایجاد فرصت‌های تمرین و استفاده از ترفندهای تولید مانند راهبردهای ارتباطی می‌باشند (به نقل از امالی و چاموت، ۱۹۹۰).

این پژوهش براساس چارچوب نظری مدل آکسفورد (۱۹۹۰) انجام شده است. آکسفورد (۱۹۹۰) تعریفی جامع‌تر و کامل‌تر از راهبردهای یادگیری ارائه می‌دهد. طبق این تعریف راهبردهای یادگیری «اعمال خاصی هستند که به وسیله زبان‌آموز به کار گرفته می‌شوند تا فرایند یادگیری را آسان‌تر، لذت‌بخش‌تر، مؤثرتر ساخته و انتقال یادگیری به موقعیت‌های جدید را امکان‌پذیر می‌سازند» (ص. ۸). آکسفورد راهبردهای یادگیری را به دو دسته کلی راهبردهای مستقیم و راهبردهای غیرمستقیم طبقه‌بندی می‌کند. این دو دسته شامل شش زیرگروه می‌باشند. راهبردهایی که به طور مستقیم در یادگیری زبان مقصد دخیلند، راهبردهای مستقیم و راهبردهایی که به طور غیر مستقیم در یادگیری زبان مقصد مؤثرند، راهبردهای غیر مستقیم می‌نامند. راهبردهای غیر مستقیم در یادگیری همه زبان‌ها در موقعیت‌های واقعی مفیدند و برای هر ۴ مهارت زبانی شامل (خواندن، نوشتن، شنیدن و صحبت کردن) قابل اجرا می‌باشند. راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم با هم در ارتباط و مؤید یکدیگرند. راهبردهای مستقیم شامل راهبردهای

حافظه‌ای^۱، راهبردهای شناختی^۲، راهبردهای جبرانی^۳ هستند و راهبردهای غیر مستقیم^۴ شامل راهبردهای فراشناختی^۵، راهبردهای عاطفی^۶ و راهبردهای اجتماعی^۷ می‌باشند. در ادامه به زیرمجموعه هر راهبرد اشاره می‌شود.

راهبردهای مستقیم

الف- راهبردهای حافظه‌ای

- ۱- ایجاد رابطه ذهنی
- ۲- استفاده از تصاویر و صداها
- ۳- مرور کردن
- ۴- استفاده از کلمات در محیط طبیعی

ب- راهبردهای شناختی

- ۱- تمرین
- ۲- دریافت و انتقال پیام
- ۳- تحلیل
- ۴- ایجاد ساختار برای درون‌داد و برون‌داد

ج- راهبردهای جبرانی

- ۱- حدس زدن
- ۲- غلبه بر محدودیت‌ها در گفتار و نوشتار

راهبردهای غیر مستقیم

الف- راهبردهای فراشناختی

- ۱- تأکید کردن بر یادگیری
- ۲- برنامه ریزی کردن برای یادگیری
- ۳- ارزیابی کردن از یادگیری

ب- راهبردهای عاطفی

- ۱- کاهش استرس
- ۲- تشویق کردن خود

ج- راهبردهای اجتماعی

- ۱- سؤال کردن
- ۲- مشارکت کردن با دیگران
- ۳- همدردی کردن با دیگران

۱.۷.۱. راهبردهای مستقیم

راهبردهای مستقیم شامل زیرمجموعه‌های زیر می‌باشند:

^۱ Memory Strategies

^۲ Cognitive Strategies

^۳ Compensation Strategies

^۴ Indirect Strategies

^۵ Metacognitive Strategies

^۶ Affective Strategies

^۷ Social Strategies

الف) راهبردهای حافظه‌ای

راهبردهای حافظه‌ای راهبردهایی هستند که به منظور حفظ و نگهداری و بازیابی اطلاعات جدید توسط زبان‌آموز به کار گرفته می‌شوند. این راهبردها شامل ۴ زیرمجموعه می‌باشند که عبارتند از ۱- ایجاد رابطه ذهنی ۲- استفاده از تصاویر و صداها ۳- مرور کردن ۴- استفاده از کلمات در محیط طبیعی. راهبردهای حافظه‌ای در استفاده هم‌زمان از راهبردهای فراشناختی، مثل توجه کردن و راهبردهای عاطفی مثل نفس عمیق کشیدن در زمان اضطراب، مؤثرتر هستند. راهبردهای حافظه‌ای اصول و قواعدی ساده را که در بردارنده معنا هستند، مانند سازماندهی کردن چیزها به ترتیب، ایجاد ارتباط و مرور کردن بازتاب می‌دهند. در یادگیری یک زبان جدید نیز این اصول برای زبان‌آموز باید معنادار و با اهمیت باشند. راهبردهای حافظه‌ای کمک می‌کنند تا زبان‌آموزان در هنگام روان صحبت کردن بتوانند بر مشکلات به خاطر آوردن واژگان ضروری غلبه کنند. این راهبردها زبان‌آموزان را قادر ساخته تا مطالب شفاهی را ذخیره و در زمان لازم برای برقراری ارتباط آن‌ها را بازیابی کنند (آکسفورد ۱۹۹۰). با توجه به اهمیت استفاده از راهبردهای حافظه‌ای در یادگیری یک زبان جدید، برخی از پژوهش‌ها نشان‌دهنده استفاده اندک زبان‌آموزان به ویژه در سطوح ابتدایی از این راهبردها هستند. علت این امر را می‌توان عدم آگاهی کافی زبان‌آموزان از نحوه استفاده از راهبردهای حافظه‌ای دانست. در ادامه به ترتیب هر بخش توضیح داده می‌شود.

۱- راهبرد ایجاد رابطه ذهنی

این راهبرد شامل روش‌های گروه‌بندی، تداعی معانی و استفاده از کلمات جدید در متن می‌باشد.

۲- راهبرد استفاده از تصاویر و صداها

این راهبرد شامل روش‌های استفاده از تصاویر و صداها، نمودارهای معنایی، کلمات کلیدی و استفاده از صداها برای حفظ کردن می‌باشد.

۳- مرور کردن

این راهبرد تنها شامل یک بخش می‌باشد که مرور ساختاریافته است. به منظور به خاطر سپردن مطالب جدید در زبان مقصد، یکبار خواندن کافی نیست بلکه مرور کردن لازم است.

۴- استفاده از کلمات در محیط طبیعی

این راهبرد شامل دو زیرمجموعه است. اول استفاده از پاسخ فیزیکی یا حسی و دوم استفاده از روش‌های مکانیکی. این راهبردها در واقع برای زبان‌آموزانی که از شیوه‌های حسی و توأم با حرکت در یادگیری لذت می‌برند، پیشنهاد می‌شود.

ب) راهبردهای شناختی

راهبردهای شناختی راهبردهایی هستند که زبان‌آموز به منظور درک و تولید زبانی، از آن‌ها استفاده می‌کند. این راهبردها با وجود اهمیت و تنوع بسیار، از دستورالعمل متداول استفاده از زبان‌آموز برای انتقال از زبان مقصد پیروی می‌کنند و شامل ۴ بخش می‌باشند. ۱- تمرین ۲- دریافت و انتقال پیام، ۳- تحلیل ۴- ایجاد ساختار برای درون‌داد و برون‌داد. راهبردهای شناختی در واقع تمرینی برای یادگیری زبان هستند و راهبرد تمرین کردن در میان راهبردهای شناختی از اهمیت بالایی برخوردار است. این ۴ بخش در راهبردهای شناختی خود از چندین زیر مجموعه تشکیل شده‌اند.

۱- تمرین کردن

این راهبرد خود شامل تکرار کردن، تمرین رسمی با صداها و سیستم نوشتاری، تشخیص و استفاده از فرمول‌ها و الگوها، بازسازی و تمرین کردن به طور طبیعی می‌باشد. از بین این بخشها، تمرین کردن به طور طبیعی از اهمیت بالایی برخوردار است.

۲- دریافت و انتقال پیام

دو راهبرد برای دریافت و انتقال پیام وجود دارد: الف- ایده گرفتن خیلی سریع ب- استفاده از منابع برای دریافت و فرستادن پیام. راهبرد اول از دو روش خاص برای استخراج ایده‌ها استفاده می‌کند، در حالی که راهبرد دوم شامل استفاده از منابع مختلف برای درک و تولید معنا می‌باشد.

۳- تحلیل و استدلال

این راهبرد از ۵ زیرمجموعه که مربوط به تحلیل و استدلال منطقی می‌شود و در مهارت‌های مختلف در زبان مقصد کارایی دارد، تشکیل شده است. اغلب زبان‌آموزان می‌توانند از این راهبردها به منظور ایجاد یک عبارت جدید یا درک معنای آن استفاده کنند. این ۵ راهبرد به ترتیب عبارتند از ۱- استدلال قیاسی ۲- تحلیل عبارات ۳- تحلیل متقابلی ۴- ترجمه ۵- انتقال.

۴- ایجاد ساختار برای درون‌داد و برون‌داد

سه راهبرد برای ایجاد ساختار وجود دارد که هم برای درک و هم برای تولید در زبان جدید ضروری است. این راهبردها عبارتند از ۱- یادداشت‌برداری ۲- خلاصه کردن ۳ نشانه‌گذاری.

ج) راهبردهای جبرانی

راهبردهای جبرانی راهبردهایی هستند که به منظور استفاده از زبان علی‌رغم وجود خلأهای دانشی توسط زبان‌آموز به کارگرفته می‌شوند. این راهبردها شامل ۲ بخش است که بخش اول شامل حدس زدن به طور هوشمندانه و بخش دوم شامل غلبه بر محدودیت‌ها در گفتار و نوشتار می‌باشد و در مجموع در برگیرنده ۱۰ راهبرد می‌باشد. گاهی زبان‌آموز در زمان ندانستن لغات، از تمام سرخ‌های مختلف برای حدس زدن معنا استفاده می‌کند. به همین دلیل راهبرد حدس زدن گاهی استنتاج نیز نامیده می‌شود. زبان‌آموزان مبتدی معمولاً از حدس زدن استفاده نمی‌کنند، اما زبان‌آموزان سطح پیشرفته و حتی بومیان در مواقع نشنیدن درست، ندانستن کلمه جدید و یا زمانی که معنا در بین خطوط نهفته است، از حدس زدن استفاده می‌کنند. جبران در واقع نه فقط در درک زبان جدید، بلکه در تولید نیز اتفاق می‌افتد. همچنین این راهبردها به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا بتوانند عبارات نوشته شده و گفته شده در زبان جدید را بدون دانش کامل تولید کنند. با توجه به اهمیت استفاده از راهبردهای جبرانی کامل در گفتار، مانند تقلید و حالات بدن، پژوهش‌گران معمولاً به راهبردهای جبرانی در گفتار توجه کرده‌اند. راهبردهای جبرانی در تولید، کمک می‌کنند تا زبان‌آموزان استفاده از زبان را با تمرین بیشتر حفظ کنند. به علاوه برخی از این راهبردها مثل تنظیم پیام به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا در دانسته‌های قبلی روان‌تر شوند.

۱- حدس زدن به صورت هوشمندانه

این راهبرد به دو بخش کلی تقسیم می‌شود که شامل استفاده از سرخ‌های زبانی و دیگر سرخ‌ها می‌باشد.

۲- غلبه بر محدودیت‌ها در گفتار و نوشتار

این بخش ۸ راهبرد را در برمی‌گیرد که برخی منحصراً مخصوص صحبت کردن و برخی برای نوشتن استفاده می‌شوند. این راهبردها عبارتند از ۱- توسل به زبان مادری ۲- کمک گرفتن ۳- استفاده از تقلید یا حالات بدن ۴- اجتناب از برقراری ارتباط به طور کلی یا جزئی ۵- انتخاب موضوع ۶- تنظیم پیام ۷- ابداع واژگان ۸- استفاده از مترادف یا توصیف. در ادامه به توضیح راهبردهای غیر مستقیم خواهیم پرداخت.

۱. ۲. ۷. راهبردهای غیر مستقیم

راهبردهای غیر مستقیم شامل زیرمجموعه‌های زیر می‌باشند:

الف) راهبردهای فراشناختی

راهبردهای فراشناختی راهبردهایی هستند که توسط زبان‌آموز به منظور هماهنگی فرایند یادگیری به کارگرفته می‌شوند. فراشناخت یعنی فراتر، خارج از، با شناخت. بنابراین راهبردهای فراشناختی به عنوان اعمالی که فراتر از ابزارهای شناختی هستند، راهی را به منظور هماهنگی فرایند یادگیری زبان‌آموزان فراهم می‌آورند. راهبردهای فراشناختی شامل سه مجموعه از راهبردها می‌باشند. ۱- تأکید کردن برای یادگیری ۲- برنامه‌ریزی کردن برای

یادگیری ۳- ارزیابی کردن از یادگیری. فرایندهای فراشناختی به عنوان اعمالی ضروری در یادگیری زبان، به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا در هنگام مواجهه با چیزهای تازه مانند واژگان نا آشنا، قواعد گنج‌کننده، سیستم‌های مختلف نوشتاری، آداب و رسوم به ظاهر غیرقابل توضیح و رویکردهای آموزشی غیر متعارف تمرکز خود را حفظ کنند. از دیگر راهبردهای فراشناختی سازماندهی کردن، تنظیم اهداف، در نظر گرفتن اهداف و طراحی یک تمرین زبانی هستند که به صورت مؤثر و به روش کارآمد، به زبان‌آموزان در برنامه‌ریزی کردن و طراحی کردن یادگیری زبانشان کمک می‌کنند. راهبرد فراشناختی دیگر که از اهمیت بالایی برخوردار است، جستجوی فرصتهایی برای تمرین کردن می‌باشد. باید برای زبان‌آموزان فرصت تمرین زیاد در خارج از کلاس فراهم شود. از دیگر راهبردهای فراشناختی نظارت بر خود و ارزیابی خود است. گاهی زبان‌آموزان با دیدن خطاهای خود ممکن است به لحاظ روحی آسیب ببینند. بنابراین بدون شک زبان‌آموزان باید با نظارت بر خطاهای خود و تشخیص آن‌ها سعی کنند که حتی از خطاهای خود درس بگیرند. با توجه به اهمیتی که راهبردهای فراشناختی دارند، اما پژوهش‌ها نشان دهنده استفاده ناآگاهانه زبان‌آموزان از این راهبردها هستند. در ادامه به هر بخش به طور جداگانه پرداخته می‌شود.

۱- تأکید بر یادگیری

این مجموعه از ۳ راهبرد، به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا توجه و انرژی خود را بر روی تمرین زبان، فعالیت‌ها، مهارت‌ها و مطالب متمرکز کنند. استفاده از این راهبردها، تمرکز را برای یادگیری زبان ایجاد می‌کند. این راهبردها عبارتند از ۱- مرور کردن و ارتباط برقرار کردن با مطالب آشنای قبلی ۲- توجه کردن ۳- به تأخیر انداختن تولید گفتار.

۲- برنامه‌ریزی کردن برای یادگیری

این مجموعه شامل ۶ راهبرد می‌باشد که به زبان‌آموزان به منظور برنامه‌ریزی جهت یادگیری حداکثری مطالب کمک می‌کند. این ۶ راهبرد عبارتند از ۱- آگاهی در مورد یادگیری زبان ۲- برنامه‌ریزی کردن ۳- تنظیم اهداف ۴- شناسایی هدف یک تمرین زبانی ۵- برنامه‌ریزی کردن برای تمرین زبانی ۶- یافتن فرصت‌های تمرین کردن.

۳- ارزیابی کردن از یادگیری

در این مجموعه، هردو راهبرد کمک می‌کند تا زبان‌آموز عملکرد زبانی خود را بررسی کند. یک راهبرد شامل توجه کردن و یادگیری از خطاها و دیگری مربوط به ارزیابی کلی از پیشرفت می‌باشد.

ب) راهبردهای عاطفی

راهبردهای عاطفی راهبردهایی هستند که به منظور کنترل عواطف و احساسات زبان‌آموز، در امر یادگیری زبان دوم، کمک می‌کنند. واژه عاطفی به احساسات، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و ارزش‌ها برمی‌گردد. این واژه ممکن است که تکرار اهمیت عوامل تأثیرگذار عاطفی در یادگیری زبان را نشان دهد. زبان‌آموزان می‌توانند کنترل بر روی این عوامل را از طریق راهبردهای عاطفی به دست آورند. این راهبردها شامل ۳ بخش اصلی می‌باشند. ۱- کاهش اضطراب ۲- تشویق کردن خود ۳- آگاهی از میزان عواطف و احساسات خود. وجه عاطفی زبان‌آموز، شاید یکی از بزرگترین تأثیرات را بر روی شکست یا موفقیت یادگیری زبان دارد. زبان‌آموزان خوب کسانی هستند که از چگونگی کنترل عواطف و احساسات خود در یادگیری زبان آگاهند. احساسات منفی حتی برای فراگیرماهر که قادر به درک تمام جنبه‌های فنی از نحوه یادگیری یک زبان جدید است، می‌تواند مانع پیشرفت شود. از سوی دیگر، احساسات مثبت می‌تواند یادگیری زبان را مؤثرتر و لذت‌بخش‌تر کند. مدرسان می‌توانند به سه روش زیر در فضای عاطفی کلاس تأثیر بیشتری داشته باشند: اول با تغییر فضای اجتماعی کلاس برای دادن مسئولیت بیشتر به زبان‌آموزان، دوم فراهم کردن بیشتر ارتباطات طبیعی و سوم آموزش راهبردهای عاطفی به زبان‌آموزان. عزت نفس یکی از نخستین عناصر عاطفی است. عزت نفس یک قضاوت شخصی از ارزش، بر پایه تأثیر فردی است و در واقع یک حس تعامل به طور مؤثر با محیط خود است. عزت نفس پایین می‌تواند در میان گفتگوی منفی با خود پیدا شود. سه راهبرد عاطفی در خود ترغیبی می‌تواند به زبان‌آموز برای مقابله با منفی بودن کمک کند. تأثیر فردی با تأکید بر عزت نفس، در نگرش به عنوان عامل تأثیرگذار بر روی

انگیزه زبان‌آموز به منظور حفظ تلاش برای یادگیری زبان، منعکس شده است. نگرش‌ها، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی انگیزه، در بخشی از زندگی و به ویژه در یادگیری زبان هستند. پژوهش‌های انجام شده پیشنهاد می‌دهند که به منظور تأثیر بیشتر، نگرش و انگیزه در کنار یکدیگر قرار گیرند. میزان اضطراب نیز در یادگیری زبان تأثیرگذار است. گاهی میزان کم اضطراب باعث به وجود آمدن سطوح عملکردی بالا می‌شود، اما میزان زیاد اضطراب، یادگیری زبان را متوقف می‌کند. اضطراب مضر در بسیاری از موارد مانند نگرانی، عدم اعتماد به نفس، ناامیدی، بی‌نظمی، عدم امنیت، ترس و علائم فیزیکی به وجود می‌آید. راهبردهای کاهش اضطراب مانند خندیدن و نفس عمیق کشیدن ضروری هستند. بنابراین راهبردهایی که به طور مستقیم در کاهش اضطراب به زبان‌آموز کمک می‌کنند، موارد زیادی هستند. راهبردهای تشویق خود با عناصر مثبت، خود ارزیابی و گوش دادن به علائم بدن می‌توانند به عنوان راهبردهایی مفید در کشف و کنترل اضطراب به زبان‌آموز کمک کنند. بنابراین در ادامه راهبردهای عاطفی ارائه می‌گردند.

۱- کاهش اضطراب

۳ راهبرد در این بخش وجود دارد که هر کدام یک مؤلفه فیزیکی و یک مؤلفه ذهنی دارد. این ۳ راهبرد شامل استفاده از آرامش زیاد، نفس عمیق و تفکر عمیق، استفاده از موزیک، استفاده از خنده می‌باشد.

۲- تشویق خود

این راهبرد شامل ۳ بخش می‌باشد که معمولاً توسط زبان‌آموزانی که انتظار تشویق از دیگران را داشته و از توانایی تشویق توسط خود ناآگاهند، فراموش می‌شوند. بنابراین در بسیاری از موقعیت‌های یادگیری زبان به طور مستقل، تشویق زیاد و فقط تشویق سودمند، ممکن است از طرف خود زبان‌آموز باشد. این راهبرد شامل گفتن جملات مثبت، اجازه به خود برای خطر کردن عاقلانه و در نظر گرفتن پاداش می‌باشد.

۳- آگاهی از میزان عواطف و احساسات خود

در این مجموعه ۴ راهبرد وجود دارد که به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا احساسات، انگیزه‌ها، نگرش‌ها را ارزیابی کرده و به تمارین زبان ارتباط دهند. این راهبردها که شامل گوش دادن به صدای بدن، استفاده از چک لیست، نوشتن خاطرات یادگیری زبان، مطرح کردن احساسات خود با دیگران می‌باشند، به دلیل کمک به تشخیص نگرش‌ها و احساسات منفی که مانع پیشرفت در یادگیری زبان هستند، می‌توانند بسیار مفید باشند.

ج) راهبردهای اجتماعی

راهبردهای اجتماعی راهبردهایی هستند که به منظور یادگیری مشارکتی و جمعی به زبان‌آموز در امر یادگیری کمک می‌کنند. زبان در واقع ایجاد ارتباط به وسیله تعامل با دیگران است. بنابراین در فرایند یادگیری یک زبان، حضور افراد دیگر و راهبردهای اجتماعی مناسب، بسیار حائز اهمیت هستند. این راهبردها شامل ۳ دسته کلی می‌باشند. ۱- سؤال پرسیدن ۲- مشارکت با دیگران ۳- همدردی کردن با دیگران. یکی از اساسی‌ترین تعاملات اجتماعی سؤال پرسیدن است و در واقع عملی است که زبان‌آموز از آن سود زیادی به دست می‌آورد. سؤال پرسیدن به زبان‌آموز کمک می‌کند تا معنای مورد نظر را مشخص‌تر و درک بهتری از آن داشته باشد. البته محتوای سؤال نیز بسیار مهم است. یک راهبرد اجتماعی، به سؤال پرسیدن به منظور شفاف‌سازی و تایید مربوط می‌شود. به علاوه پرسیدن سؤال و مشارکت با دیگران به طور کلی و با کاربران زبان مقصد، برای زبان‌آموز بسیار مؤثر خواهد بود. یادگیری مشارکتی تأثیرات قابل توجه زیادی را مانند عزت نفس بیشتر، افزایش لذت و اعتماد به نفس، موفقیت بیشتر و سریع‌تر، احترام بیشتر برای مدرس، مدرسه و موضوع، استفاده از راهبردهای شناختی در سطح بالاتر، کاهش تعصب و افزایش بشر دوستی و نگرانی متقابل نشان می‌دهد. بنابراین راهبردهای مشارکتی ممکن است که برای تمام یادگیرندگان زبان، ماهیت دومی نداشته باشند. پژوهش‌هایی که بر روی زبان‌آموزان انجام شده است، نشان می‌دهد که با آموزش و تشویق نه چندان خاص، زبان‌آموزان به طور معمول گزارشی از عملکرد طبیعی از راهبردهای اجتماعی ارائه نکرده‌اند. به منظور افزایش استفاده از راهبردهای مشارکتی یادگیری زبان چه در داخل و چه در خارج از کلاس، نیاز است تا در مقابل به زبان‌آموزان نسبت به تغییر فرهنگ مشارکت کمک شود. از دیگر راهبردهای اجتماعی همدردی کردن است. همدردی کردن توانایی فرض کردن خود در جایگاه طرف مقابل به منظور درک بهتر دیدگاه فرد می‌باشد. این راهبرد به منظور برقراری یک ارتباط موفق و در



هنگام مواجهه با چیزهای مشکل در زبان دیگر، ضروری به نظر می‌رسد. افراد در توانایی طبیعی احساس کردن و تشخیص همدردی با هم متفاوت هستند. بنابراین راهبردهای اجتماعی می‌توانند به زبان‌آموزان کمک کنند تا توانایی خود را برای همدردی کردن، افزایش درک فرهنگی و آگاهی از احساسات دیگران افزایش دهند. راهبردهای اجتماعی به ترتیب شامل بخش‌های زیر است.

۱- سؤال پرسیدن

این مجموعه از راهبردها شامل پرسیدن از کسی مانند یک مدرس یا صحبت کننده بومی یا حتی از یک زبان‌آموز ماهرتر به منظور شفاف‌سازی مطلب، تأیید و درستی گفتگو می‌باشد.

۲- همکاری با دیگران

این مجموعه شامل ۲ راهبرد می‌باشد که در واقع تعامل با یک یا چند نفر، برای بهبود مهارت‌های زبان است. این راهبردها براساس یادگیری مشارکتی زبان است که نه فقط بر عملکرد زبانی زبان‌آموز می‌افزاید، بلکه خود ارزشی یا پذیرش اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد.

۳- همدردی کردن با دیگران

همدردی کردن با دیگران می‌تواند هنگامی که زبان‌آموزان از این ۲ راهبرد استفاده می‌کنند، آسان‌تر شود. نخست گسترش درک فرهنگی و دوم آگاهی از افکار و احساسات دیگران.

۲. پاسخ به سؤالات پژوهش

۲.۱. پاسخ به سؤال اول پژوهش

اولین سؤال پژوهش به این صورت مطرح شده است:

« آیا رابطه‌ای بین معدل کل دانشجویان کارشناسی سال دوم زبان‌های خارجی و نوع راهبرد یادگیری وجود دارد؟ »

برای بررسی این سؤال، از آنجا که مقیاس اندازه‌گیری متغیر معدل کل، ترتیبی است و مقیاس اندازه‌گیری راهبردهای یادگیری، فاصله‌ای است، بنابراین از ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی ارتباط این دو متغیر استفاده شد که نتایج آن در جدول (۱) درج شده است.

جدول (۱) بررسی ارتباط میان دو متغیر معدل کل و نوع راهبرد

	CGPA		CGPA
Spearman's rho	Correlation Coefficient	1.000	
	Sig. (2-tailed)	.	
	N	160	
راهبردهای حافظه‌ای	Correlation Coefficient	.236**	
	Sig. (2-tailed)	.003	
	N	160	
راهبردهای شناختی	Correlation Coefficient	.357**	
	Sig. (2-tailed)	.000	
	N	160	
راهبردهای جبرانی	Correlation Coefficient	.101	
	Sig. (2-tailed)	.205	
	N	160	
راهبردهای فراشناختی	Correlation Coefficient	.264**	
	Sig. (2-tailed)	.001	
	N	160	
راهبردهای عاطفی	Correlation Coefficient	.175*	
	Sig. (2-tailed)	.027	
	N	160	
راهبردهای اجتماعی	Correlation Coefficient	.234**	
	Sig. (2-tailed)	.003	
	N	160	

با توجه به نتایج جدول فوق، مشاهده می‌شود که بین تمام راهبردهای یادگیری (به غیر از راهبردهای جبرانی) و معدل ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد، به این معنی که با افزایش معدل، میزان به کارگیری راهبردهای یادگیری نیز افزایش می‌یابد. جدول (۱) نشان‌دهنده همبستگی میان معدل کل و نوع راهبرد یادگیری می‌باشد.

۲.۱.۲. پاسخ به سؤال دوم پژوهش:

دومین سؤال پژوهش به این صورت مطرح شده است:

« بین آیا رابطه‌ای بین دو زبانه/چند زبانه بودن دانشجویان کارشناسی سال دوم زبان‌های خارجی و نوع راهبرد یادگیری وجود دارد؟ »
به منظور بررسی این سؤال، با توجه به متغیر دو زبانه/چند زبانه بودن که یک متغیر اسمی است، ۳ متغیر دو مقوله‌ای تعریف شد که هر یک به صورت ۱ و ۰ مشخص شد، بنابراین به منظور بررسی ارتباط متغیر دو مقوله‌ای با متغیر پیوسته فاصله‌ای راهبردهای یادگیری از آزمون ضریب همبستگی نقطه‌ای بایسریال استفاده شد که نتایج آن برای هر رشته در جدول (۲) درج شده است:

جدول (۲) بررسی ارتباط میان دو متغیر دوزبانه یا چندزبانگی و نوع راهبرد

		تک زبانه	دوزبانه	چند زبانه
راهبردهای حافظه‌ای	Pearson Correlation	-.100	.132	-.016
	Sig. (2-tailed)	.207	.097	.844
	N	160	160	160
راهبردهای شناختی	Pearson Correlation	-.228**	.181*	.079
	Sig. (2-tailed)	.004	.022	.321
	N	160	160	160
راهبردهای جبرانی	Pearson Correlation	-.098	.095	.017
	Sig. (2-tailed)	.219	.231	.830
	N	160	160	160
راهبردهای فراشناختی	Pearson Correlation	-.110	.105	.022
	Sig. (2-tailed)	.166	.188	.787
	N	160	160	160
راهبردهای عاطفی	Pearson Correlation	-.124	.153	-.010
	Sig. (2-tailed)	.120	.053	.896
	N	160	160	160
راهبردهای اجتماعی	Pearson Correlation	-.176*	.027	.171*
	Sig. (2-tailed)	.026	.736	.031
	N	160	160	160

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، دانشجویان تک‌زبانه، ارتباط معکوس با استفاده از راهبردهای شناختی و اجتماعی دارند و با سایر راهبردهای یادگیری ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. به این معنی که دانشجویان تک‌زبانه از راهبردهای شناختی و اجتماعی کمتر از دانشجویان دیگر (دوزبانه و چندزبانه) استفاده می‌کنند.

دانشجویان دو زبانه، ارتباط مستقیم معنی‌داری با راهبردهای شناختی دارند و با سایر راهبردهای یادگیری ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. به این معنی که دانشجویان دو زبانه از راهبردهای شناختی بیشتر از دانشجویان دیگر (تک زبانه و چندزبانه) استفاده می‌کنند. دانشجویان چندزبانه، ارتباط مستقیم معنی‌داری با راهبردهای اجتماعی دارند و با سایر راهبردهای یادگیری ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. به این معنی که دانشجویان چندزبانه از راهبردهای اجتماعی بیشتر از دانشجویان دیگر (تک زبانه و دوزبانه) استفاده می‌کنند. جدول (۲) نشان‌دهنده همبستگی میان دو یا چند زبانگی و نوع راهبرد یادگیری می‌باشد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت راهبردهای یادگیری در آموزش زبان‌های خارجی و تأثیر به کارگیری راهبردها در یادگیری و تدریس بهتر توسط مدرسان، پژوهش‌های زیادی بر روی زبان انگلیسی و سایر زبان‌ها صورت گرفته است. در اکثر این پژوهش‌ها زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی/دوم در نظر گرفته شده است. این پژوهش به بررسی راهبردهای یادگیری دانشجویان کارشناسی رشته‌های زبان‌های خارجی دانشگاه فردوسی مشهد اختصاص



یافت. رشته‌های زبان‌های خارجی شامل زبان‌های انگلیسی، فرانسه، روسی و عربی در مقطع کارشناسی بودند. در این پژوهش تأثیر بکارگیری راهبردها با در نظر گرفتن نقش متغیرهایی چون معدل کل و دویا چندزبانگی مورد بررسی قرار گرفت. از اهداف مهم دیگر در این پژوهش، مقایسه‌ی دانشجویان رشته‌های مختلف براساس متغیرهای مذکور بود. بنابراین با توجه به سؤالات پژوهش ۲ فرضیه مطرح گردید و بررسی رابطه با آزمون ضریب همبستگی صورت پذیرفت.

نخستین سؤال پژوهش مربوط به ارتباط میان معدل به عنوان یک متغیر ترتیبی و نوع راهبرد یادگیری به عنوان یک متغیر فاصله‌ای بود و از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی ارتباط این دو متغیر استفاده شد. نتایج نشان داد که بین تمام راهبردهای یادگیری (به غیر از راهبردهای جبرانی) و معدل ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد به این معنی که با افزایش معدل میزان به کارگیری راهبردهای یادگیری افزایش می‌یابد. در بررسی فرضیه دوم پیرامون ارتباط میان متغیر دوزبانه و چند زبانی به عنوان یک متغیر اسمی با متغیر فاصله‌ای راهبرد یادگیری از آزمون ضریب همبستگی نقطه‌ای بایسریال استفاده شد. نتایج نشان داد که دانشجویان تک‌زبانه، ارتباط معکوس با استفاده از راهبردهای شناختی و اجتماعی داشتند و با سایر راهبردهای یادگیری ارتباط معنی‌داری وجود نداشت. به این معنی که دانشجویان تک‌زبانه از راهبردهای شناختی و اجتماعی کمتر از دانشجویان دیگر (دوزبانه و چندزبانه) استفاده می‌کردند. دانشجویان دوزبانه، ارتباط مستقیم معنی‌داری با راهبردهای شناختی داشتند و با سایر راهبردهای یادگیری ارتباط معنی‌داری وجود نداشت. به این معنی که دانشجویان دوزبانه از راهبردهای شناختی بیشتر از دانشجویان دیگر (تک زبانه و چندزبانه) استفاده می‌کردند. دانشجویان چندزبانه، ارتباط مستقیم معنی‌داری با راهبردهای اجتماعی داشتند و با سایر راهبردهای یادگیری ارتباط معنی‌داری وجود نداشت. به این معنی که دانشجویان چندزبانه از راهبردهای اجتماعی بیشتر از دانشجویان دیگر (تک زبانه و دوزبانه) استفاده می‌کردند.

کتابنامه:

- Arficho Ayle, Zeleke 2015 ,” The Effects of Training in Learning Strategies of Writing in Improving Student’s writing Skills: *Hawassa University Students in Focus*”, Hawassa University, P. O. Box 05, Hawassa Ethiopia , 2, (7), pp. 422-428.
- Cronbach, Iee. J. (1951). Coefficient alpha and the internal structure of tests. *Psychometrika*, 16, pp. 334-297.
- Hardan, Abdalmaujod , “Language learning strategies: A general Overview”, International Conference on New Horizons in Education, *Univesity of Anbar*, pp. 1712 – 1726.
- Jinhong, Bai 2011 , “Exploring student's use of metacognitive strategies in listening comprehension of the Tem-4: A study of English majors at a chinese college”, (Unpublished master's thesis). School of Education and Environment, Kristianstad University.
- Oxford, Rebeka 1990, *Language learning strategies: What every teacher should know* : Boston: MA: Heinle and Heilnle.
- Park, Gi-Pyo 1997 , “Language Learning Strategies and English Proficiency in Korean University Students”, *Foreign language annals*, 2, pp. 211-221.
- Rubin, Joan 1975 , What the “good language learner” can teach us : *TESOL Quarterly* pp. 9-41-51.
- اختری، طاهره، ۱۳۸۵، « تأثیر راهبردهای یادگیری زبان دوم بر فرایند یادگیری زبان عربی»، *مجله انجمن ادبیات و زبان عربی، علمی-پژوهشی*، شماره ۶، صص. ۹۸-۸۱.
- پیشقدم، رضا، ۱۳۸۷، «ارتباط راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی با جنسیت و راهبردهای غالب یادگیری زبان انگلیسی در زبان آموزان ایرانی»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شماره ۲۰۱، صص. ۵۱-۲۳.
- خالقی‌زاده، شراره، ۱۳۹۱، « راهبردهای یادگیری زبان دوم: در جستجوی نمایه‌ای برای زبان فارسی»، *مجله فصل‌نامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی تربیتی*، شماره ۲۶، صص. ۳۴-۱.



نخستین همایش ملی بین‌رشته‌ای
ایران‌شناسی، زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه
۲۸ و ۲۹ خرداد ماه ۱۳۹۸



دانشگاه ولی‌عصر (ع)
مشهد

صدیقی فر، زهره، خالقی‌زاده، شراره، ۱۳۹۶، «تأثیر به‌کارگیری راهبردهای فراشناختی، اجتماعی و عاطفی بر میزان موفقیت فارسی‌آموزان غیر ایرانی در مهارت نوشتاری»، پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، شماره ۲، صص. ۶۲-۳۹.